

تجارب زندگی دختران مجرد و غیر شاغل سی تا چهل ساله شهر تهران

آناهیتا خدابخشی کولایی^۱
زهرا پیش‌بهار^۲

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی تجارب زندگی دختران غیر شاغل ۳۰ تا ۴۰ سال مجرد شهر تهران پرداخته است. این پژوهش با روش کیفی و از نوع پدیدارشناختی توصیفی صورت گرفته است. جامعه پژوهش دختران مجرد غیر شاغل ۳۰ تا ۴۰ سال شهر تهران بودند که از میان آن‌ها نمونه‌ای شامل ۱۷ دختر به صورت نمونه‌گیری مبتنی بر هدف در سال ۱۳۹۶ انتخاب شدند. روش جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش تحلیل محتوای هفت مرحله‌ای کلایزی استفاده شد. مضامین استخراج شده از مصاحبه‌ها نشان داد که فشارهای منفی و مثبت ناشی از مجرد در ابعاد فردی، خانودگی و اجتماعی را می‌توان تقسیم‌بندی کرد. طبق نتایج این پژوهش، تأخیر در ازدواج دختران بالای ۳۰ سال باعث تجربه کردن استرس‌های گوناگونی در سطوح فردی، خانوادگی و اجتماعی می‌شود که ممکن است سلامت روانی فرد را با خطراتی مواجه سازد. نتایج دیگر این پژوهش حاکی از آن است که متأسفانه افسردگی و اضطراب یکی از پیامدهای مجرد بالای ۳۰ سال در دختران است که بیکاری و نگاه منفی جامعه و اطرافیان به آن دامن زده است.

۱. استادیار گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خاتم تهران (a.khodabakhshid@khatam.ac.ir)
(نویسنده مسئول).

۲. کارشناس ارشد روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خاتم تهران.

واژه‌های کلیدی: تجارب زندگی، دختران غیرشاغل، دختران مجرد، مطالعه پدیدارشناختی.

The Life Experiences of Single and Unemployed 30-40 year-old Girls in Tehran city

Anahita Khodabakhshi Kula'i¹
Zahra Pishbahar²

Abstract

This paper has studied the life experiences of unemployed girls aged 30-40 single in Tehran. This research has been done with qualitative method and descriptive phenomenological type. A sample of 17 girls were selected as target sampling in 1396 AH. The data collection method was a semi-structured interview. To analyze the information, the Colaizzi's seven-step content analysis method was used. The main contents extracted from the interviews showed that negative and positive pressures caused by celibacy can be divided into individual, family and social dimensions. According to the results of this study, delays in the marriage of girls over 30 years old cause various stresses at the individual, family and social levels, which may endanger a person's mental health. Another finding of study found that depression and anxiety were one of the consequences of celibacy in girls over the age of 30, which was fueled by unemployment and the negative attitudes of society and those around them.

Key words: Life Experiences, Unemployed Girls, Single Girls, Phenomenological Study.

مقدمه

برای هر انسانی و به‌ویژه درمورد دختران، سال‌های خاصی به‌مثابه موعده مناسب‌گزینش همسر به‌شمار می‌آید که اگر در طی این سال‌ها مانعی بر سر راه ازدواج جوانان قرار گیرد و از این سن مطلوب‌گذر کنند، ازدواجشان به‌سنین بالاتر موکول می‌شود (قانع عزآبادی و همکاران، ۱۳۹۴). بخشی از دختران ایرانی تقریباً با موانع مشابهی در امر ازدواج مواجه‌اند. انتظار از ازدواج در طول سال‌های اخیر تغییر کرده، ولی راهکار مناسبی برای رسیدن به

1. Assistant Professor of Education Sciences and Psychology, Khatam University of Tehran (a.khodabakhshid@khatam.ac.ir) (Corresponding Author).
2. Masters of Education Sciences and Psychology, Khatam University of Tehran

ازدواج موفق از سوی خانواده و جامعه به نسل جوان ارائه نشده است. ناهماهنگی در این امر به موانع ازدواج و ازدواج‌های ناپایدار ختم می‌شود (موسوی، ۱۳۸۲ به نقل از طیبی‌نیا، ۱۳۹۳). میانگین سن ازدواج افراد تحصیل کرده در مقایسه با افراد با تحصیلات اندک، بالاتر است. همچنین سطوح تحصیلی رابطه معکوسی با میانگین سن ازدواج دارند که مشخص می‌کند تحصیلات با بهبود موقعیت زنان، تأخیر در ازدواج را به همراه داشته است (محمودیان، ۱۳۸۲).

در مطالعه‌ای ازدواج کردن و نداشتن همسر مشکل اصلی و بزرگ اغلب دختران مجرد نیست، زیرا ۵۲ درصد دختران مجرد با این موضوع که نداشتن همسر بزرگ‌ترین مشکل آن‌هاست، مخالف یا بسیار مخالف بودند و ۳۴ درصد از آن‌ها نداشتن استقلال و وابستگی به خانواده پدری، نداشتن استقلال مالی یا درآمد شخصی را مهم‌ترین مشکل خود ابراز کرده‌اند. در عین حال، حدود ۸۰ درصد زنان مجرد گفته‌اند که امکان زندگی بدون دغدغه خاطر و نگرانی برای دختران مجرد در جامعه ما وجود ندارد و از فقدان امنیت اجتماعی شکایت کرده‌اند (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۰). محبی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی دلالت‌های معنایی تأخیر در ازدواج دختران دانشجو پرداختند. مشارکت کنندگان علل تأخیر در ازدواج را تنگنای ازدواج، زاویه‌گیری خانواده دختر، هرج و مرج در امر ازدواج، تغییر فضا و ترجیح‌های نوین همسرگزینی، محاسبه هزینه - فایده ازدواج، سپر روانی تجرد، بی‌اخلاقی‌های اجتماعی و بازاندری در هویت زنانه برشمرده‌اند. همچنین، فخرایی و پورتقی (۱۳۹۴) به بررسی جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با ازدواج دیرهنگام در بین جوانان ازدواج کرده بالای ۳۰ سال شهرستان بناب پرداختند. نتایج به دست آمده از تحقیق حاکی از آن است که بین میزان تمایل به ادامه تحصیل، مشکل پسندی جوانان، تمایل به اشتغال جوانان دختر، احساس مشکل اشتغال جوانان پسر و تمایل به داشتن زندگی مجردی با ازدواج دیرهنگام جوانان رابطه معناداری وجود داشته است. کریمیان و زارعی (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی کیفی وضعیت زنان دارای رابطه هم‌خانگی یا همان ازدواج سفید با جنس مخالف پرداختند. نتیجه این تحقیق نشان داد که شیوع آرام و خزنده روابط هم‌خانگی در زندگی جوانان ایرانی، آمار بالای طلاق، وفور خیانت‌های عاطفی و جنسی افراد متأهل و شیوع سبک‌های غربی روابط پیش از ازدواج، همگی بنیان خانواده ایرانی را نشانه رفته‌اند و حل این معضلات نیازمند عزم جدی مسئولان و کارشناسان در سطح کلان جهت بازنگری در سیاست‌گذاری‌های شغلی، اقتصادی،

ازدواج، برنامه‌های تلویزیونی و حوزه فرهنگ است. همچنین، معمار و یزدخواستی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی تجارب زندگی دختران مجرد شاغل ۳۰ تا ۴۹ سال پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان داد که ترجیح مجرد به ازدواج در دهه‌های اخیر از یک سو تحت تأثیر وضعیت کلان اجتماعی و از سوی دیگر بازتاب واکنش کنشگران در عرصه اجتماعی است. دختران شاغل در جریان بازاندیشی نقش‌های کلیشه‌ای سنتی و بازتعریف هویت جنسی، تصویر جدیدی از خود در ذهنشان دارند و این تصویر جدید انتظارات آنان را از زندگی متحول ساخته است.

در پژوهش دیگری، حسینی و ایزدی (۱۳۹۵) به بررسی پدیدارشناختی تجربه زندگی زنان مجرد بالای ۳۵ سال شهر تهران پرداخته‌اند. تحلیل داده‌ها بیانگر آن است که با وجود تفاوت در علل مجرد (تجرد خودخواسته، و مجرد ناخواسته) بیشتر شرکت‌کنندگان در پژوهش احساسات دوگانه‌ای نسبت به مجرد را تجربه می‌کردند. آن‌ها از یک سو از استقلال و آزادی ناشی از مجرد راضی و خشنود بودند و از سوی دیگر با داشتن احساس تنهایی، دیگران را به ازدواج توصیه می‌کردند.

عزآبادی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با موضوع نگرش اجتماعی نسبت به مجرد دختران سی سال و بالاتر در شهر یزد به بررسی شکل‌گیری فرایندی به نام داغ‌ننگ یا شرم پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش حاکی از حضور پدیده داغ‌ننگ اجتماعی مجرد در قریب به ۵۰ درصد از افراد مورد مطالعه بود. موحد (۱۳۸۵) در پژوهشی به نام «بررسی رابطه جامعه‌پذیری و نگرش دختران به ارزش‌های سنتی و مدرن در زمینه روابط بین‌شخصی دو جنس پیش از ازدواج» پرداخته است. یافته‌های این پژوهشگران نشان داد که نگرش بیش از نیمی از دختران دانشجوی یعنی ۵۵/۶ درصد آن‌ها به این گونه دوستی‌ها متوسط بود. به‌طور کلی، می‌توان گفت اگرچه دگرگونی‌های این گستره از روابط به سوی ارزش‌های مدرن پیش می‌رود، اما دختران هم‌چنان میان ارزش‌های سنتی و مدرن سرگردان‌اند.

رازقی نصرآباد و رحیمی (۱۳۹۳) به بررسی تحولات امید در زندگی مجردی در ایران با استفاده از داده‌های مستخرج زندگی‌زناشویی در بازه زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ پرداختند. یافته‌ها نشان داد در سال ۱۳۹۰، تعداد سال‌های انتظار برای ازدواج و یا مرگ برای تمام سنین زیر ۳۰ سال بالاتر از سال ۱۳۸۵ است. این تغییرات افزایش درصد ازدواج‌های با تأخیر را طی این دوره نشان می‌دهد. همچنین طی دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، حدود ۹۳ درصد از افراد تا سن ۴۹ سالگی ازدواج می‌کنند. حدود ۵ درصد تا این سن بدون اینکه ازدواج کرده باشند، با واقعه

مرگ روبه‌رو می‌شوند و حدود ۲ درصد نیز هرگز ازدواج نمی‌کنند. فرضی‌زاده (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی طرد اجتماعی دختران روستایی مجرد پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد نگاه‌ها و حرف‌های طعنه‌آمیز، تحقیرآمیز و ترحم‌دیگران، گسترش شایعه‌ها، تبعیض، وابستگی، شرمساری، سرزنش، احساس تنهایی، ترس، انتظار، رنج، بیماری جسمی، افسردگی و نگرانی درباره آینده، برخی مسائل دختران مذکور است. انزوای، ضعف روابط اجتماعی با افراد خارج از دایره خویشاوندان، عدم حضور در اجتماع به‌منظور شرکت در مراسم اشتغال، یادگیری مهارت و گذراندن اوقات فراغت از پیامدهای این وضعیت است. فولادی (۱۳۹۳) به تحلیل جامعه‌شناختی افزایش سن ازدواج با تأکید بر عوامل فرهنگی پرداخت. نتایج این پژوهش نشان داد که افزودن شرط‌هایی همچون داشتن شغل، درآمد مناسب و تحصیلات عالی برای ازدواج، دامنه سن ازدواج را در جامعه ما افزایش داده است.

همچنین، کاوه فیروز و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی نشان دادند که مهم‌ترین متغیر اثرگذار بر سن ازدواج دختران، متغیر دسترسی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی بوده است و بعد از این متغیر، متغیرهای اختلاف نگرش دختران با والدین و نیز توقعات اجتماعی بیشترین سهم را در افزایش سن ازدواج دختران دارند. این در حالی بود که متغیرهای توقعات اقتصادی و پایگاه اقتصادی اجتماعی والدین نقش بسیار ناچیزی در افزایش سن ازدواج دختران داشتند. طیبی‌نیا (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی به بررسی میزان تمایل جوانان به ازدواج و شناسایی موانع و مشکلات آن پرداخت. نتایج این مطالعه آشکار ساخت که مهم‌ترین موانع ازدواج بر اساس اولویت عبارت بودند از: موانع فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، حاکمیتی و فردی.

دالز^۱ (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی مجرد در ژاپن پرداخت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که جامعه ژاپن پس از جنگ جهانی دوم، تغییرات جمعیتی قابل توجهی را تجربه کرده است. این تغییرات خاص شامل تمایل افراد به تأخیر در ازدواج، افزایش طلاق، افزایش مجرد قطعی و روند رو به افزایش زندگی مجردی است. ازدواج و تولد فرزندان بیانگر نمادهای زنانگی در ژاپن به‌شمار می‌روند. از این رو، زندگی زنان بدون ازدواج در قالب مجرد یا به‌منزله فردی طلاق‌گرفته یا بیوه در ژاپن به‌عنوان یک زندگی مطلوب به‌شمار نمی‌رود، حتی اگر موقتی و در برهه‌ای از زمان باشد.

رای^۱ و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان فرهنگ، بهداشت، درمان و تمایلات جنسی، به بررسی سلامت جنسی گروهی از جوانان پرداختند. داده‌های این مطالعه براساس مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با تمرکز بر رابطه جنسی قبل ازدواج، انتخاب همسر و روش‌های پیشگیری ازدواج انجام شد. بر اساس نتایج این تحقیق، تجارب مربوط به تمایلات جنسی زنان و ارزش‌های آن‌ها در چارچوب جوامع مذهبی و فرهنگی آن‌ها می‌بایست بررسی شود. لاهاد^۲ (۲۰۱۲) در پژوهشی به بررسی مجرد، انتظار و جامعه‌شناسی زمان پرداخت. در این پژوهش چگونگی تحلیل زمان‌بندی مجرد بررسی شد. یافته‌ها حاکی از آن بود که این شکل خاص از انتظار بیشتر به منزله تأخیری غیر منتظره به‌شمار می‌رود و دانش گسترده‌ای درباره زندگی مجردی به‌منزله یک سبک زندگی خاص و موقت در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. این مطالعه برخی از تصورات غلط در مورد زنان مجرد در ایالت متحد آمریکا را برطرف کرد؛ این باور که زنان مجرد شادتر یا غمگین‌تر از زنان متأهل نبودند. همچنین، آن‌ها پیشرفت و رشد شخصی بیشتری نسبت به زنان متأهل داشتند. زنان مجرد خود را مؤثرتر، مصمم‌تر و مستقل‌تر از زنان متأهل می‌دانستند.

جنسن و تورنتن^۳ (۲۰۰۳) نیز در پژوهشی به بررسی ازدواج زودهنگام در کشورهای در حال توسعه پرداختند. یافته‌ها حاکی از آن است که بسیاری از زنان در کشورهای در حال توسعه در سن کودکی ازدواج می‌کنند. اکثریت این زنان در سنی که ازدواج می‌کنند، انتخاب کم‌تری دارند. زنانی که ازدواج زودهنگام را تجربه می‌کنند، تحصیلات کم‌تری دارند و از دوران کودکی شروع به کار می‌کنند و در خانواده قدرت تصمیم‌گیری کم‌تری دارند. آن‌ها بیشتر مورد خشونت خانگی قرار می‌گیرند.

ابراهیم و حسن^۴ (۲۰۰۹) در پژوهشی آشکار ساخت که تجربه مجرد در تمامی فرهنگ‌ها وجود دارد، اما چیزی که آن‌ها را از هم متمایز می‌کند، مذهب و فرهنگ‌های گوناگون است. جونز^۵ (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی تغییر الگوهای ازدواج در آسیا پرداخت. این مطالعه به بررسی روند ازدواج در کشورهایی مانند ژاپن، تایوان و میانمار پرداخت. یافته‌ها نشان داد که هنوز مجرد زنان در آسیا مورد پذیرش هنجارهای اجتماعی و ساختارهای جامعه و خانواده نیست و به همین دلیل بسیاری از زنان جوانان در کشورهای

-
1. Wray
 2. Lahad
 3. Jensen & Thornton
 4. Ibrahim & Hassan
 5. Jones

آسیایی به منزله نوجوان و کمتر از سن قانونی ازدواج می‌کنند. اسکن چر^۱ و همکاران (۲۰۰۸) در پژوهشی نشان دادند که افراد مجرد تنیدگی، افسردگی، اضطراب، و روابط بد دوران کودکی با والدین را نسبت به دیگر شرکت کنندگان گزارش دادند. درینگتن^۲ و همکاران (۲۰۰۵) در پژوهشی به بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی مجرد ماندن در میان جوانان پرداختند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که افراد مذهبی‌تر، تجارب زندگی خود را متأثر از باورهای شخصی، خانواده، تعالیم دینی و دوستی تعریف کردند. ساردکم و لمیرا^۳ (۲۰۰۵) در پژوهشی به بررسی تغییر سن ازدواج در شمال هند پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهند که سن متوسط ازدواج تقریباً در تمام مناطق هند رو به افزایش است. با توجه به آمار روزافزون مجرد و پیامدهای آن، این پژوهش بر آن است تا به تجارب زندگی منحصر به دختران مجرد و غیر شاغل ایرانی بپردازد. از این رو، این مطالعه با هدف تبیین تجارب زندگی دختران مجرد و غیر شاغل ۳۰ تا ۴۰ ساله انجام شد.

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها از نوع کیفی است و بر اساس پدیدارشناسی توصیفی صورت گرفته است. نگارندگان در این روش به بررسی عمیق تجارب زندگی منحصر به شرکت کنندگان در پژوهش می‌پردازند (سطوت و همکاران، ۱۳۹۷). جامعه آماری دختران مجرد و غیر شاغل ۳۰ تا ۴۰ سال شهر تهران بودند که به خانه سلامت شهرداری منطقه ۹ تهران مراجعه کرده بودند و به صورت روش نمونه‌گیری هدفمند در سال ۱۳۹۶ انتخاب شدند. داده‌گیری پس از مصاحبه با ۱۷ دختر مجرد و غیر شاغل ۳۰ تا ۴۰ ساله به اشباع نظری رسید. مصاحبه‌ها همگی به صورت حضوری و در دفتر مشاوره خانه سلامت از سوی پژوهشگران صورت گرفت. در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. همچنین، از روش تحلیل محتوای هفت مرحله‌ای کلایزی برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها، ابتدا متن مصاحبه پیاده‌سازی و سپس مفاهیم و مضامین موجود در آن‌ها کدگذاری و استخراج شد. پژوهشگران از روش تحلیل محتوای هفت مرحله‌ای کلایزی استفاده کردند. روش کلایزی دارای ۷ مرحله است که شامل: (۱) تمامی

1. Schachner
2. Darrington
3. Saardchom & Lemaire

توصیف‌های ارائه‌شده توسط شرکت‌کنندگان که مرسوم به پروتکل است به منظور به دست آوردن احساس و مانوس شدن با آن‌ها از سوی پژوهشگران خوانده شد، (۲) جملات مهم استخراج شد، (۳) سعی شد تا به معنای هر یک از جملات پی برده شود و به فرموله کردن معانی پرداخته شد، (۴) مراحل فوق برای هر پروتکل تکرار شدند و معانی فرموله‌شده و مرتبط با هم در خوشه‌های متعدد مورد توجه قرار گرفتند که محقق نباید از این داده‌های به ظاهر نامناسب چشم‌پوشی کند، (۵) سپس تلفیق نتایج در قالب یک توصیف جامع در مورد پژوهش انجام شد، (۶) توصیف جامعی از پدیده تحت مطالعه به صورت یک بیانیه صریح و روشن از ساختار اساسی پدیده مورد مطالعه به منزله «ساختار ذاتی پدیده» به دست آمد، (۷) با مراجعه مجدد به هر یک از شرکت‌کنندگان و انجام مصاحبه‌ای منفرد و یا انجام جلسات متعدد مصاحبه، نظر شرکت‌کنندگان درباره یافته‌ها پرسیده شد و نسبت به اعتبارسنجی نهایی یافته‌ها اقدام گردید (شوشا، ۲۰۱۲). به منظور دستیابی به صحت و اعتبار مطالعه، از معیارهای اعتبارپذیری^۲ و اعتمادپذیری به روش لینکن و گوبا^۳ استفاده شد (سطوت و همکاران، ۱۳۹۷). با تأکید بر انتخاب بستر مناسب، هم‌سوسازی^۴ داده‌های حاصل از نتایج مصاحبه با پژوهش‌های پیشین در حوزه مسائل و موانع ازدواج و دختران مجرد بازمانده از ازدواج و همچنین تجارب مشارکت‌کنندگان و تعامل نزدیک و مستمر و درگیر کردن آن‌ها در امر تفسیر، مراجعه مجدد به آنان و نیز مشخص کردن هرچه واضح تر مراحل و چگونگی فرایندها به منظور سهولت در بررسی و درک آن توسط دیگران به این مهم پرداخته شد تا از اعتبار و صحت مطالعه، هر چه بیشتر اطمینان حاصل شود (خدابخشی کولایی و همکاران، ۱۳۹۹). برای رعایت ملاحظات اخلاقی در پژوهش‌های کیفی، مصاحبه‌ها به صورت داوطلبانه انجام شد و برای ضبط مصاحبه‌ها از شرکت‌کنندگان در پژوهش اجازه گرفته شد و مصاحبه‌شوندگان از نتیجه پژوهش نیز مطلع شدند.

یافته‌ها

برای کشف مفاهیم اولیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته از تحلیل محتوای کلایزی استفاده شد. نتایج در جدول شماره ۱ نمایش داده شده است.

1. Shosha
2. Credibility
3. Lincoln & Guba
4. Triangulation

جدول ۱ مضامین استخراج شده از تجارب زندگی دختران مجرد و غیر شاغل ۳۰ تا ۴۰ سال

مضامین اصلی	زیرمضمون‌های اولیه
تجرد	پذیرش تجرد عدم پذیرش تجرد
تجارب زندگی دختران درمورد تجرد	استرس منفی استرس مثبت یا یواسترس
تجارب زندگی دختران ناشی از فشارهای خانوادگی	فشارهای خانوادگی برای ازدواج کردن تحت فشار بودن به دلیل داشتن خواهر کوچک‌تر تحت فشار بودن به دلیل تنها مجرد خانواده بودن
تجارب زندگی دختران ناشی از عدم فشارهای خانوادگی	پذیرش تجرد از سوی خانواده‌ها حمایت مالی خانواده از دختران مجرد حمایت عاطفی خانواده از دختران مجرد
تجارب زندگی دختران ناشی از فشارهای اجتماعی	بیکاری با وجود تحصیلات عالی بی‌کفایت و بی‌مسئولیت نامیده شدن مجردی از سوی جامعه طرد شدن از سوی دوستان متأهل سیاست‌گذاری‌های غلط صدا و سیما در قبال تجرد
تجارب زندگی دختران ناشی از عدم فشارهای اجتماعی	فراهم آوردن امکان ادامه تحصیل بانوان در دانشگاه فراهم آوردن امکانات مناسب در فرهنگسراها و اجتماعی سرای محله برای دختران
تجارب زندگی دختران ناشی از فشارهای فردی	ترس از تنهایی عدم ارضای نیاز جنسی ترس از احتمال کاهش پیدا کردن همسر مناسب ترس از تجربه نکردن حس مادری
تجارب زندگی دختران ناشی از عدم فشارهای فردی	پذیرش بی‌قید و شرط تجرد انتخاب تجرد به عنوان یک سبک زندگی متوسل شدن شرکت در کلاس‌های آموزشی و هنری ادامه تحصیل
راهکارهای مقابله با تجرد بدون هدف	تسلیم شدن در برابر تجرد تن دادن به دوستی‌های نامتعارف فراکنی کردن مسئله ازدواج

بحث و نتیجه‌گیری

متغیر اساسی و مهمی که در این پژوهش به آن پرداخته شد، تجارب زندگی است. به عبارتی تجربه‌های ذهنی هر فرد از دید او معنایی است که او به آن تجربه‌ها می‌دهد. مجرد ماندن در وضعیت کنونی جامعه ما می‌تواند برای تعدادی از افراد یک انتخاب و برای عده‌ای دیگر اجبار باشد.

در بین شرکت‌کنندگان پژوهش دو مضمون در مورد تجرد به دست آمد:

(۱) پذیرش تجرد، (۲) عدم پذیرش تجرد.

افرادی که تجرد خود را پذیرفته بودند، نسبت به مجرد بودنشان حس و حال خوبی داشتند و توانسته بودند سازگاری لازم را با تجردشان به وجود آورند. از دید روان‌شناسان سازگاری عبارت است از ثبات عاطفی و جسارت در روابط اجتماعی و نیز علاقه به تحصیل در فرد که به صورت عاطفی، اجتماعی و آموزشی دیده می‌شود. در مقابل پذیرش تجرد، عدم پذیرش آن از سوی تعداد بیشتری از افراد شرکت‌کننده در پژوهش وجود داشت. این افراد از مجرد بودنشان احساس خوبی نداشتند و خود، دیگران و جامعه را دلیل اصلی تجرد خود می‌دانستند. مجرد ماندن در ۳۰ سالگی و بالاتر از آن، پدیده‌ای غیر قابل تصور برای آن‌ها بود. آنان نمی‌خواستند شرایط کنونی‌شان را بپذیرند و به همین دلیل عده‌ای از آنان دچار علائم جسمانی استرس شده بودند؛ مانند تپش قلب، عرق سرد، بی‌خوابی‌های شبانه و عده‌ای دیگر تصور می‌کردند که افسرده‌اند و افسردگی را انتخاب کرده بودند. آنان تمام ساعات خود را در گوشه‌ای از خانه زانوی غم بغل می‌گرفتند و خود را به روش خودشان مجازات می‌کردند و به نوعی می‌خواستند از خانواده و جامعه انتقام بگیرند.

تجارب زندگی دختران در سطح خانوادگی در دو سطح استرس منفی و یوسترس

یا استرس مثبت

الف) استرس (فشار)

۱. فشارهای خانوادگی برای ازدواج کردن: عده‌ای از دختران مجرد معتقدند خانواده‌شان شرایط آن‌ها را درک نمی‌کنند و دائماً آن‌ها را تحت فشار قرار می‌دهند که به سرعت ازدواج کنند. مهم نیست آن فرد شرایط مناسب ازدواج را داشته باشد یا نه، فقط باید ازدواج کنند و زودتر سر زندگی‌شان بروند.

۲. تحت فشار بودن به دلیل داشتن خواهر کوچک تر: عده ای خواهر کوچک تر از خود دارند و دائماً تحت فشارند که زودتر ازدواج کن! چون خواهر کوچک تر از خودت داری و تو مانع ازدواج او هم هستی.

۳. تحت فشار بودن به دلیل تنها مجرد خانواده بودن: عده ای نیز تنها دختر مجرد در خانه هستند و تمام خواهرهای بزرگ تر و کوچک ترشان ازدواج کرده و آن‌ها هنوز مجرد مانده اند و تحمل این شرایط برایشان سخت است، چون در مهمانی های خانوادگی همگی زوج اند و این‌ها تنها افراد مجردند. از طرفی مسئولیت پدر و مادر بیشتر به عهده این‌ها قرار می گیرد. چون تمامی خواهر و برادرهایشان ازدواج کرده اند و به نوعی این افراد به اجبار مسئول پدر و مادر خود نیز می شوند.

(ب) یوسترس (استرس مثبت)

۱. پذیرش مجرد از سوی خانواده‌ها: به گفته تعدادی دختران مجرد، خانواده‌هایشان مجرد بالای ۳۰ سال را پذیرفته اند و مشکلی با این قضیه ندارند. آن‌ها از این بابت که هنوز در دهه سوم زندگی شان مجردند و باز هم خانواده‌شان به خوبی شرایطشان را درک می کند، بسیار خوشحال اند و معتقدند خانواده بستری امن برای آن‌هاست.

۲. حمایت عاطفی خانواده از دختران مجرد: به گفته تعدادی از دختران مجرد، با وجود غیر شاغل بودنشان هیچ گونه سرزنش و مؤاخذه ای از سوی خانواده‌شان صورت نمی گیرد آنان هم چنان مانند دوران کودکی و نوجوانی مورد حمایت عاطفی خانواده‌هایشان قرار می گیرند. خانواده‌ها هم چنان برای دخترانشان ارزش و احترام قائل اند و عزت نفس لازم برای حضور در جمع‌های فامیلی و دوستانه را به آنان می دهند.

۳. حمایت مالی خانواده از دختران مجرد: به گفته تعدادی از دختران مجرد حمایت مالی و اقتصادی از سمت خانواده تأثیر بالایی بر اعتماد به نفس آن‌ها داشته است و زمانی که مورد حمایت اقتصادی قرار می گیرند بهتر می توانند برای اکنون و آینده‌شان برنامه ریزی کنند.

تجارب زندگی دختران در سطح اجتماعی در دو سطح استرس منفی و مثبت مطرح

است:

(الف) استرس منفی

۱. بیکاری با وجود تحصیلات عالی: دختران مجرد غیر شاغل بیکاری را یکی از مهم ترین دلایل ابتلا به استرس در خود می دانند. آنان معتقدند اگر شاغل و مجرد بودند، شرایط بهتری نسبت به وضعیت شاغل و غیر مجرد بودن داشتند. بیکاری فشار روانی بسیاری

را بر دختران مجرد وارد کرده است.

۲. بی‌کفایت و بی‌مسئولیت نامیده شدن دختران از سوی جامعه: عده‌ای از دختران مجرد بر این عقیده بودند که از طرف خانواده، دوستان و اطرافیان‌شان به دلیل مجرد ماندن بی‌مسئولیت لقب گرفته‌اند. به گفته بعضی از آنان چون همه فکر می‌کنند که آنان بیکارند، از آنان انتظار دارند که به نوعی کمک آن‌ها باشند. مثلاً به خاله و همسایه و فامیل در مواقع لزوم در کارهای روزمره کمک کنند.

۳. طرد شدن از سوی دوستان متأهل: عده‌ای از افراد مجرد معتقدند که دوستان متأهلشان ارتباطشان را با آن‌ها محدود و یا حتی قطع کرده‌اند. آنان می‌گویند متأهل‌ها از داشتن یک دوست مجرد در زندگی‌شان واهمه دارند و ترجیح می‌دهند که با این افراد ارتباط نداشته باشند.

۴. سیاست‌گذاری نادرست صدا و سیما در قبال مجرد دختران: بیشتر دختران مجرد ترجیح می‌دهند برنامه‌های صدا و سیما را نگاه نکنند، اما از اثرگذاری این برنامه‌ها بر دیگران واهمه دارند. به نظر آنان مشکل اساسی تلویزیون از بین بردن عزت نفس آنان است، به جای بالا بردن عزت نفسشان! آنان معتقدند برنامه‌های مناسبی در مورد پدیده مجرد دختران ساخته نشده است و هنوز با القاب نادرستی مثل ترشیده از آنان نام برده می‌شود.

ب) یوسترس (استرس مثبت): عده‌ای دیگر از افراد معتقد بودند که از سمت جامعه هیچ گونه فشاری را احساس نکردند و اتفاقاً جامعه، امکانات مناسبی برای رشد و پیشرفت و آرامش آنان فراهم کرده است؛ از جمله:

۱. فراهم آوردن امکان ادامه تحصیل بانوان در دانشگاه‌ها: به گفته تعدادی از دختران مجرد، ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها برای دختران در کشور ما، موهبت بزرگ است. به اعتقاد آنان امکانات رفاهی دانشگاه‌ها برای دانشجویان مانند تورهای مسافرتی و یا کلاس‌های هنری و علمی با هزینه کمتر فرصت بسیار خوبی است که از طرف دانشگاه‌ها برای دانشجویان ایجاد شده است. همچنین عده‌ای تحصیل رایگان در دانشگاه‌های دولتی را امکان بسیار مناسبی برای خود دانسته‌اند که سبب رشد و خودسازی آنان شده است.

۲. فراهم آوردن امکانات مناسب در فرهنگسراها و سرای محله برای دختران: عده‌ای از دختران مجرد امکانات مناسب فرهنگسراهای سرای محله‌ها را هم به صرفه و هم مفید خوانده‌اند. به گفته آنان کلاس‌های هنری و زبان یا باشگاه‌های ورزشی که در این مکان‌ها وجود دارند، امکان مناسبی را برای پر کردن اوقات فراغت آنان و دوست‌یابی و فرار از

تنهایی و خانه‌نشینی فراهم کرده است.

تجارب زندگی دختران در سطح فردی در دو سطح استرس منفی و مثبت بدین

شرح است:

الف) فشار (استرس)

۱. ترس از تنهایی: مهم‌ترین استرسی که به افراد مجرد وارد شده، تنهایی است.

عده‌ای از آنان با اینکه در دهه سوم زندگی‌شان هستند، هنوز نتوانسته‌اند از طرف یک جنس مخالف دوست داشته شوند و یا رابطه دوطرفه خوبی را تجربه کنند. آن‌ها معتقدند باید در این دوره از زندگی افراد بتوانند یک رابطه دوطرفه داشته باشند و خیلی از اوقات تنهایی‌شان را با فردی به نام همسر پر کنند. تنهایی کیفیت زندگی‌شان را پایین آورده است و دیگر از همراه خود بودن خسته شده‌اند. آن‌ها از اینکه هنوز در این سن به تنهایی به مهمانی، عروسی، پارک، خرید و یا حتی برای قدم زدن می‌روند، خسته شده‌اند.

۲. عدم ارضای نیاز جنسی: عده‌ای از دختران مجرد که هیچ رابطه‌ای با جنس مخالف ندارند هم اکنون در دهه سوم زندگی خود از عدم ارضای نیاز جنسی خود می‌گویند. آن‌ها می‌گویند که فشارهای زیادی را متحمل می‌شوند و کنجکاوی خاصی نسبت به نیاز جنسی دارند.

۳. ترس از احتمال کاهش یافتن همسر مناسب: یکی دیگر از مشخصه‌های استرس شخصی، استرس بالا رفتن سن است. به گفته دختران مجرد، هر سال روز تولدشان یکی از بدترین روزهای زندگی آن‌هاست. آن‌ها اصلاً باور نمی‌کردند که تا این سن مجرد بمانند و دائم می‌ترسند که سنشان بالاتر برود و باز هم مجرد بمانند و همسر مناسب خود را پیدا نکنند.

۴. ترس از تجربه نکردن حس مادری: عده‌ای از دختران مجرد می‌ترسند که نتوانند مادر شدن را به دلایلی ناشی از بالا رفتن سن یا یائسگی زودرس تجربه کنند. آن‌ها از دیدن بچه‌ها ذوق می‌کنند، اما از اینکه خودشان نتوانسته‌اند مادر شوند، حس غم و اندوه می‌کنند.

ب) یوسترس یا استرس مثبت

۱. پذیرش بی‌قید و شرط مجرد: عده‌ای از دختران به این نقطه رسیده‌اند که بهترین تصمیم برای شرایط کنونی‌شان پذیرش مجرد است. آن‌ها مجردی خود را پذیرفته‌اند و سعی می‌کنند به آن به‌منزله دوره‌ای از زندگی‌شان نگاه کنند که قرار است روزهایی پر از بلوغ فکری را برایشان رقم بزند و تجربیات لذت‌بخش سالمی را برای خود خلق کنند.

۲. انتخاب مجرد به‌منزله یک سبک زندگی: عده‌ای از دختران مجرد را به‌منزله سبکی

از زندگی انتخاب کرده‌اند. آن‌ها داشتن استقلال فکری و مالی را مهم‌ترین دلیل خود برای انتخاب این نوع سبک زندگی دانستند. شرکت‌کنندگان در پژوهش راهکارهای مقابله با مجرد هدفمند را به کار گرفته بودند؛ از جمله: ۱) متوسل شدن به اعتقادات مذهبی و معنویت: عده‌ای از دختران مجرد، اعتقادات مذهبی و معنویت را سبب آرامش بیشتر خود دانسته‌اند و معتقدند توانسته‌اند اضطراب و استرس ناشی از مجردشان را با توسل به دعا و نیایش کنترل کنند (معنویت درمانی). آن‌ها ساعاتی از روز خود را به راز و نیاز با خداوند می‌پردازند و با عضویت در گروه‌های دسته‌جمعی دعا، توانسته‌اند دوستان خوبی نیز پیدا کنند. ۲) شرکت در کلاس‌های آموزشی و هنری: عده‌ای دیگر از دختران مجرد پس از گرفتن لیسانس و فوق‌لیسانس خود و ناامیدی از شرایط بازار کار، توانسته‌اند با استعدادیابی خود در زمینه‌های هنری به فعالیت بپردازند. به گفته آن‌ها شرایط سخت بیکاری زندگی‌شان را بی‌هدف کرده بود، اما آن‌ها با آغاز فعالیت‌های هنری توانسته‌اند با بیکاری‌شان کنار بیایند. آن‌ها قصد دارند فعالیت‌های هنری‌شان را ادامه دهند و در زمینه موردنظرشان، شروع به کار کنند. ۳) ادامه تحصیلات: عده‌ای دیگر از دختران مجرد که پس از گرفتن لیسانس، کار مناسبی پیدا نکرده بودند، تصمیم به ادامه تحصیل گرفتند و قصد دارند تحصیلاتشان را ادامه دهند. آن‌ها از این طریق هدف جدیدی برای زندگی‌شان تعریف کرده و امیدوارانه چشم به آینده دوخته‌اند.

همچنین، برخی از آن‌ها که مجرد را انتخاب نکرده بودند برای حل مشکلات خود راهکارهای متفاوتی داشتند؛ از جمله:

۱. تسلیم محض شدن در برابر مجرد و انکار آن: این افراد از سازوکار دفاعی انکار استفاده می‌کنند. آن‌ها هنوز نتوانسته‌اند مجردشان را بپذیرند و با آن کنار بیایند.
۲. تن دادن به روابط دوستی نامتعارف: تعدادی از دختران مجرد راه دیگری را برای کنار آمدن با استرس‌های ناشی از مجرد انتخاب کرده‌اند. به گفته خودشان از صبر کردن برای آمدن خواستگار مناسب ناامید شده‌اند یا خواستگاری نداشتند، به همین دلیل نتوانستند فشار حاصل از تنهایی را تحمل کنند و به روابط دوستی با جنس مخالف تن دادند. البته در این روابط استرس‌رها شدن این افراد از سوی جنس مخالف وجود دارد که متأسفانه صدمات بیشتری به افراد وارد می‌کند.
۳. مقصر دانستن خانواده و جامعه برای ازدواج نکردشان: تعدادی از دختران نیز معتقدند که قربانی شرایط جامعه شده‌اند. آن‌ها معتقدند افراد جامعه دنبال شرایط اقتصادی

مناسب یک دختر برای ازدواج هستند و پسرها به خواستگاری دختران کارمند یا دخترانی می روند که پدر پولداری داشته باشد و چون آن‌ها غیر شاغل هستند، انتخاب نمی شوند. این افراد خلاف گروه قبلی، با جنس مخالف رابطه ندارند.

به طور کلی، علل عدم ازدواج در دختران مجرد آمیزه‌ای از شرایط فردی و اجتماعی آن‌هاست که عدم اشتغال هم به مشکلاتشان دامن می زند.

در انجام این مطالعه، پژوهشگران با محدودیت‌هایی مواجه بودند، از جمله می توان به عدم ضبط صدا از سوی برخی از مشارکت کنندگان در پژوهش اشاره کرد که کار پیاده سازی مصاحبه‌ها را برای پژوهشگران سخت و دشوار می کرد. همچنین، دختران مجرد و شاغل صرفاً مراجعه کنندگان به خانه سلامت شهرداری منطقه ۹ شهر تهران بودند. پیشنهاد می شود پژوهش‌های مشابه به بررسی تفاوت‌های جنسیتی در کیفیت زندگی و تجارب زندگی دختران و پسران مجرد و غیر شاغل ۳۰ تا ۴۰ سال پردازد.

منابع

- آزادارمکی، ت.، و شریفی ساعی، م.ح.، ایثاری، م.، و طالبی، س. (۱۳۹۰). سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش ازدواج در ایران. *جامعه پژوهی فرهنگی*، ۲(۲)، ۱-۳۴.
- حسینی، س.ح.، و ایزدی، ز. (۱۳۹۵). پدیدارشناختی تجربه زیسته زنان مجرد بالای ۳۵ سال. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۶، ۴۱-۷۲.
- خدابخشی کولایی، آ.، فلسفی نژاد، م.، و عموقلی میرآخوری، ز. (۱۳۹۹). ازدواج و انتخاب همسر در دختران کم‌بینا و نابینا: یک مطالعه پدیدارشناسی. *پژوهش توان‌بخشی در پرستاری*، ۶(۳)، ۵۰-۵۸.
- رازقی نصرآباد، ب.ح.، و رحیمی، ع. (۱۳۹۳). بررسی تحول امید زندگی مجردی در ایران با استفاده از جداول خالص زناشویی: دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۱۸، ۹۶-۱۱۹.
- سپوت، ا.، خدابخشی کولایی، آ.، فلسفی نژاد، م.، و ثناگو، ا. (۱۳۹۷). شناسایی چالش‌های ازدواج معلولان جسمی - حرکتی شهر تهران: یک مطالعه پدیدارشناسی. *پژوهش توان‌بخشی در پرستاری*، ۵(۲)، ۵۵-۶۲.
- طیبی‌نیا، م. (۱۳۹۳). میزان تمایل جوانان به ازدواج و شناسایی مشکلات و موانع آن. *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، ۱۶، ۶۳-۸۶.
- فخرایی، س.، و پورتنقی، م. (۱۳۹۴). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با ازدواج دیررس جوانان ازدواج کرده بالای ۳۰ سال شهر بناب. *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۲۷، ۶۳-۸۰.
- فرضی‌زاده، ز. (۱۳۹۳). طرد اجتماعی دختران روستایی مجرد. *توسعه محلی (روستایی - شهری)*، ۶، ۱۲۳-۱۴۶.
- فولادی، م. (۱۳۹۳). تحلیل جامعه‌شناختی افزایش سن ازدواج با تأکید بر عوامل فرهنگی. *معرفت فرهنگی اجتماعی*، ۵، ۷۷-۱۰۴.

- قانع عزآبادی، ف.، قاسمی، و.، و کیانپور، م. (۱۳۹۴). نگرش اجتماعی نسبت به مجرد دختران ۳۰ سال و بالاتر (مورد مطالعه: شهر یزد). *پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ۷، ۱۲۷-۹۹.
- کاوه فیروز، ز.، کاظمی‌پور، ش.، و رنجبر، م. (۱۳۹۳). تعیین‌کننده‌های اجتماعی - جمعیتی افزایش سن ازدواج (دانشجویان زن تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های تهران). *زن در توسعه و سیاست*، ۱۲، ۴۶۸-۴۴۹.
- کریمیان، ن.، و زارعی، ا. (۱۳۹۵). بررسی کیفی وضعیت زنان دارای رابطه هم‌خانگی با جنس مخالف. *زن و جامعه*، ۷، ۶۷-۳۹.
- محبی، س. ف.، سیاح، م.، و سادات حسینی، ش. (۱۳۹۵). دلالت‌های معنایی تأخیر در ازدواج دختران دانشجو. *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۱۹، ۲۷۴-۲۵۲.
- محمودیان، ح. (۱۳۸۲). سن ازدواج در حال افزایش، بررسی عوامل پشتیبان. *علوم اجتماعی*، ۱۱، ۵۴-۲۷.
- معمار، ث.، و یزدخواستی، ب. (۱۳۹۴). تجارب زیسته دختران شاغل ۳۰ تا ۴۹ سال از مجرد. *مسائل اجتماعی ایران*، ۲، ۱۶۱-۱۴۹.
- موحد، م. (۱۳۸۵). بررسی رابطه جامعه‌پذیری و نگرش دختران به ارزش‌های سنتی و مدرن در زمینه روابط بین شخصی دو جنس پیش ازدواج. *مطالعات زنان*، ۱، ۹۹-۶۷.
- Dales, L. (2014). Ohitorisama, singlehood and agency in Japan. *Asian Studies Review*, 38(2), 224-242.
- Darrington, J., Piercy, K. W., & Niehuis, S. (2005). The social and cultural construction of singlehood among young, single Mormons. *The Qualitative Report*, 10(4), 639-661.
- Ibrahim, R., & Hassan, Z. (2009). Understanding singlehood from the experiences of never-married Malay Muslim women in Malaysia: Some preliminary findings. *European Journal of Social Sciences*, 8(3), 395-405.
- Jensen, R., & Thornton, R. (2003). Early female marriage in the developing world. *Gender & Development*, 11(2), 9-19.
- Jones, G. (2017). *Changing Marriage Patterns in Asia*. In Rputledge handbook of Asian demography (pp. 351-369), Rputledge
- Lahad, K. (2012). Singlehood, waiting, and the sociology of time. *Sociological Forum* (Vol. 27, No. 1, pp. 163-186). Blackwell Publishing Ltd.
- Shosha, G. A. (2012). Employment of Colaizzi's strategy in descriptive phenomenology: A reflection of a researcher. *European Scientific Journal*, 8(27), 31-43.
- Schachner, D. A., Shaver, P. R., & Gillath, O. (2008). Attachment style and long-term singlehood. *Personal Relationships*, 15(4), 479-491.
- Saardchom, N., & Lemaire, J. (2005). Causes of increasing ages at marriage: An international regression study. *Marriage & Family Review*, 37(3), 73-97.
- Wray, A., Ussher, J. M., & Perz, J. (2014). Constructions and experiences of sexual health among young, heterosexual, unmarried Muslim women immigrants in Australia. *Culture, Health & Sexuality*, 16(1), 76-89.